

استادمان پایور

(درد تو به جان خسته مان باد)

فرامرز پایور در سال ۱۳۱۱ در تهران متولد شده و تحصیلات عمومی خود را در مدرسه دارالفنون و دبیرستان دارانی به پایان رسانده است. پدرش علی پایور هنرمند نقاش و استاد زبان فرانسه و دانشگاههای تهران بوده و جدش مصورالدوله نقاش چیره دست و وزیر پست و تلگراف، در زمان صدارت مستوفی الممالک بوده است و در عین حال با موسیقی آشنایی کامل داشته و ویولن، سنتور و سه تار را خوب می نواخته و در این زمینه از دوستان مرحوم رکن الدین خان مختاری بوده است.

فرامرز پایور تحصیلات موسیقی خود را از سال ۱۳۲۸ شروع نموده و نزد استاد ابوالحسن صبا، استاد موسیقی ایرانی به فرا گرفتن سنتور اشتغال ورزیده و پس از ده سال تحصیل مداوم یک دوره کامل از ردیف موسیقی ایرانی را که توسط استاد صبا برای سنتور تنظیم شده بود فراگرفت و موفق به دریافت تقدیرنامه بی از طرف استاد شد. مهارت او در این ساز به جایی رسید که استاد صبا از او خواست که به اتفاق قطعاتی نواخته و روی نوار ضبط نمایند که اکنون نیز چند نمونه از آنها در آرشیو رادیو موجود می باشد. پایور فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۳۳ در وزارت فرهنگ و هنر که در آن موقع اداره کل هنرهای زیبا نامیده می شد شروع نمود و از همان وقت تا به امروز برنامه هایی از موسیقی اصیل ایرانی تهیه نموده و در کنسرتها و همچنین در رادیو و تلویزیون اجرا می نمود.

اکنون نیز فعالیت او منحصراً در زمینه موسیقی ملی است زیرا پایور علاوه بر دوره هایی که نزد استاد صبا آموخت یک دوره از ردیف قدیم و همچنین کلیه تصانیف قدیم را که متعلق به شیدا، عارف، سماع حضور و ظهیرالدوله و سایر اساتید قدیمی بودند نزد آقای عبدالله دوامی استاد آواز فراگرفت و به خط، نت درآورد و آقای دوامی طی تقدیرنامه یی که برای او نوشته صحت و اصالت نوشته او را نیز تایید نموده اند. علاوه بر آن پایور یک دوره ردیف آقامیرزا عبدالله را که به نام کتاب موسیقی ایران نامیده می شود نزد استاد صبا فرا گرفت و ضمناً کلیه آثار رکن الدین مختاری و آثار درویش خان را جمع آوری و به خط نت درآورد است.

فرامرز پایور از سال ۱۳۳۷ به تدریس سنتور در هنرستان عالی موسیقی ملی اشتغال داشته. در سال ۱۳۴۱ از طرف وزارت فرهنگ و هنر برای مدت سه سال به انگلستان اعزام شد در آنجا زبان انگلیسی خود را تکمیل نموده و موفق به دریافت دیپلم در رشته تخصصی زبان از دانشگاه کمبریج گردید. ضمناً در رشته موسیقی نیز از آکادمی سلطنتی موسیقی لندن مدارک قابل توجهی کسب نمود و در عین حال برای شناساندن موسیقی ایرانی از طرف دانشگاه لندن و دانشگاه کمبریج از او دعوت شد که کنفرانس هایی در این زمینه همراه با ساز خود ترتیب دهد که کلیه آنها با موفقیت انجام شد و از طرف دانشگاههای مزبور به دریافت جوایزی نایل گردید. علاوه بر آن فرامرز پایور در طی دوران فعالیت هنری خود، به اغلب کشورهای جهان برای اجرای کنسرت و شناساندن موسیقی ملی ایران و تهیه صفحه مسافرت نموده است به طور کلی در هر کجا که فعالیتی در زمینه موسیقی اصیل ایرانی انجام می گرفت پایور همیشه پیش قدم بوده و وجود او برای نشان دادن موسیقی اصیل ایرانی برای مؤسسات پخش غیرقابل اجتناب و انکار بوده است. وی در سال ۱۳۵۳ همکاری مداوم خود را با سازمان رادیو تلویزیون شروع کرد و آثار خود و متقدمین را به معرض اجرا و پخش درآورد.

سعی و کوشش پایور همیشه بر این استوار بوده که آثار موسیقی دانان متقدم ایران را که به دست فراموشی سپرده شده بود. به شنوندگان معرفی کند و با کمک اساتید دیگر موسیقی سازی و آوازی و همچنین با گروه کوچکی که از نوازندگان سازهای ملی، آنچه که قبلاً از اساتید خود فراگرفته به موقع اجرا گذارد.

ذوق سرشار و استعداد ذاتی او در تنظیم و ارائه موسیقی اصیل ایرانی و همچنین تکنیک و تبحر او در نواختن ساز سنتور موجب شده است که روز به روز به علاقه مندان موسیقی اصیل ایرانی اضافه شود و با جرأت می توان پایور را یکی از بزرگان موسیقی اصیل و ملی ایران دانست و به واسطه همین دانش و آگاهی و

زحماتی که او برای حفظ و اشاعه آن متحمل گشته بود از طرف استاد صبا موفق به دریافت تقدیرنامه گشت.

تالیفات:

۱- دستور ستور، ۲- سی قطعه چهار مضراب برای ستور ۳- هشت آهنگ اجرای ستور، ۴- ردیف «چپ کوک» برای ستور، ۵- قطعات موسیقی مجلسی، ۶- مجموعه پیش درآمد و رنگ ۷- تئوری موسیقی، ۸- رنگ، شهر آشوب، ۹- پرنیان (دو نوازی برای تار ستور)، ۱۰- دونوازی ستور و تنبک استاد حسین تهرانی در دستگاه شور (آواز دشتی و افشاری) بصورت دیسک منتشر شده و ردیف ابتدایی، ردیف و تصانیف استاد دوامی.

آثار ساخته شده:

سه صفحه گرامافون از دستگاه شور و متعلقات آن

همراه با ضرب استاد حسین تهرانی - یک صفحه شامل چهارگاه و ماهور ستور تنها یک صفحه دستگاه نوا ستور تنها ضبط شده در فرانسه. یک صفحه قسمتی از دستگاه سه گاه و آواز دشتی همراه با ضرب استاد حسین تهرانی

ضبط شده در آلمان. یک صفحه سه گاه و ماهور همراه با گروه اساتید و آواز عبدالوهاب شهیدی ضبط شده در ایران و فرانسه. یک کاست شور و چهارگاه ستور تنها ردیف حبیب سمعی. یک کاست دستگاه همایون همراه با تار هوشنگ ظریف و ضرب محمد اسماعیلی یک کاست شور و ماهور همراه با گروه نوازندگان وزارت فرهنگ و هنر، (چهار کاست فوق از طریق کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده). و یک سری کاست همراه با صدای شجریان در مایه دشتی، سه گاه افشاری، سرک و ابوعطا و تعدادی صفحه و کاستهای دیگر.

بخش اول: پرویز مشکاتیان

صبر بسیار بیاید پدر پیر فلک را

که دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

تاکنون هیچگاه حافظ تنه‌ایم نگذاشته است و هر آینه که به درماندگی رسیده ام به مدد آمده است از من خواسته شد در مورد استاد فرامرز پایور مطلبی بنگارم... دیرکرد نوشتار خود خیر از دشواری کار را می داد، شاید تا همین اکنون اولین بار باشد که یکسره گنج شده ام. همیشه در هر موردی حرفی، سخنی، نکته ای داشته ام و به راحتی.

ولی این بار نمی دانم از چه زاویه ای نگاهم را به کاغذ درآورم. اگر بخواهم یک بازنگری در مورد کارهای انجام شده توسط

استاد بنگارم که مثنوی هشتاد من خواهد شد که تازگی نیز نخواهد داشت به دلیل روانی کار هنری استاد و دیگر اینکه آفتاب آمد دلیل آفتاب. گمان نمی کنم در این وادی، کسی که حتی نه با یک ساز که با موسیقی آشنایی اندکی هم



داشته باشد، قلندر و قلدر و قدری چون پایور را نشناسد. او نیازی به تعریف و تقاسیر ندارد، چون کوه دماوند زیبا، استوار، با سلیقه به هوا و فضای موسیقی ایران روح روندگی بخشیده و خواهد بخشید.

هرگز یادم نمی رود در نیشابور شب های (البته اندک) با یکی از دوستان نازنینم (سعید محمودی) مثلا درس می خواندم او بازیگوشی های مرا درمیابید و به سراغم می آمد که ناگزیر به درس بنشینم. یک رادیوی ترانزیستوری روی میز کارم همیشه روشن بود تا مگر صدای ستور برشته خوش کوک، پرتکنیک و پرمحتوای

پایور پخش شود و جانی بگیرم، اگر چئین می شد به سعید می گفتم بلند شو برویم خیام.

می خواهم بگویم استاد در آن زمان با دل های ما خیلی کار کرد، تک تاز و یگانه بود و با پیرامونیانش در فاصله بسیار.

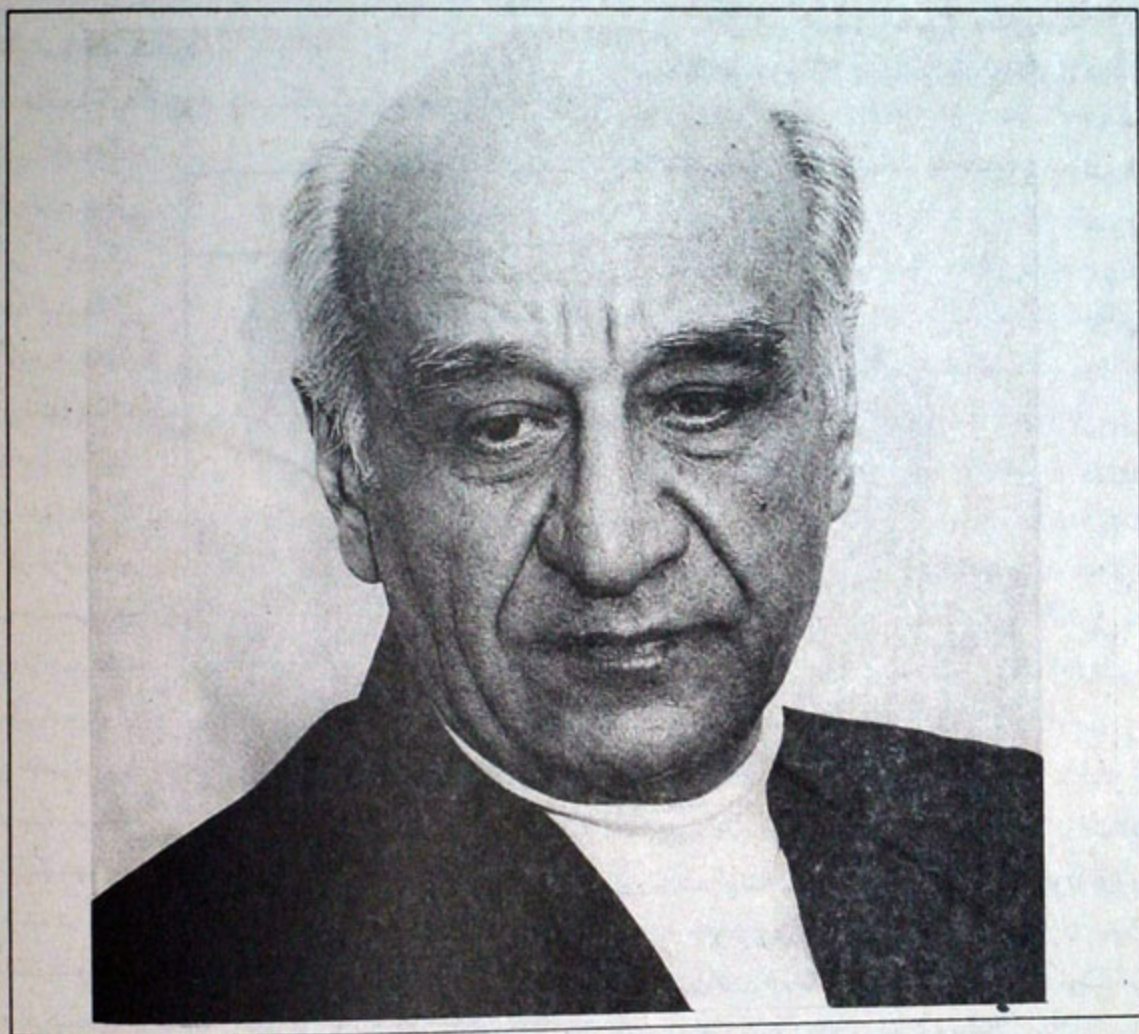
اگر ستورنوازان ایران را خانواده ای فرض کنیم که این ساز را اکنون جهانی کرده اند، پایور بی تردید پدر خانواده است.

خدای را، شاهد می گیرم که با تنظیم زیبای «خواهم که بر زلفت» هم اشک ریخته ام و هم به آینده موسیقی

حقایق ایستاد و چون خیلی از ساز به داستان متعلق و متقلد، تن به موازین نادرست نداد.

(توضیح این که در موسیقی کاباره ای خواننده خیلی مهم است و چه برای خواننده و چه برای شنونده کاباره- یا باشنده کاباره- فرقی نمی کند که همراهان و همنازان خواننده، چه کسانی باشند و چه چیزهایی بنوازند، شنونده از پیش برای-اگر نگوییم خوشگذرانی- از برای وقت گذرانی آمده است.

برای همین خواننده، در پرتوی از نور و نوازندگان، در هاله ای از تاریکی همناز خواننده اند. ولی در موسیقی



ایران امیدوار مانده ام. من فکر می کنم تا زمانی که طفلی زاده می شود. خداوند هنوز به بشریت امیدوار است و همین جا می خواهم بگویم تا پایور نفس می کشد، موسیقی ایرانی طپنده است.

فرامرز پایور، در زندگی هنری خود، از آن دسته از موزیسین هایی ست که به موسیقی معنا بخشیده است. یعنی زمانیکه موسیقی سستی می رفت که موازین کاباره ای را به خود بگیرد (خواننده سالاری)، پایور درپای خیلی از

های کلاسیک یا سستی یا اصیل هر سرزمینی اینطور نیست، آهنگساز و سرپرست گروه و تکنوازی که در کنار خواننده قرار می گیرد، چه بسا که کار را از پیش با افتادگی، به اوج برساند. نمونه های بسیاری در موسیقی خودمان نیز هست که یک خواننده با دو آهنگساز و سرپرست، درجات صعودی یا نزولی در کار خویش داشته است، متأسفانه هنوز به خاطر کم شناختی شنونده، اولین

سؤالی که می شود این است که خواننده کیست، و نه اینکه چه کسانی آن اثر را ساخته و پرداخته و خوانده‌اند. یک خواننده پرتوان موسیقی ایرانی، می تواند کاری را که به وسیله آهنگساز، خلق شده است، به شکل مناسب یا در نهایت به شکل نهایی نزدیک کند، هیچ خواننده ای یک کار متوسط را نمی تواند تعالی بخشد. ولی آهنگساز می تواند از یک خواننده مهیا، کارهای متعالی به وجود آورد. حالا-دیگر- شاید بشود گفت جایگاه خواننده در موسیقی کاباره ای یا در موسیقی سنتی یا کلاسیک متفاوت است. در همین راستا خاطره ای از استاد پایور می خواستم بگویم که البته آنقدر برای صدابردار خوش افتاده بود که که با آب و تاب برایمان تعریف کرد.

استاد پایور با یکی از خوانندگان موسیقی سنتی، کاری را انجام داده اند و در استودیو بل؛ بعد از میکس اولیه، میکس به زمانی گفته می شود که آهنگساز، صداهای ضبط شده بر روی ۱۶ بانند دستگاه را به طریقه دلخواه مخلوط می کند و صدائی که می خواهد بر روی ۲ بانند میاورد، که آن می شود نوار مادر یا مستر.

خواننده کپی ای از آن میگیرد و ظاهرا شب، در جمع دوستان، نوار را گوش میدهند و هر کس نظری میدهد که معمولا از این دست میتواند باشد:

چرا صدای خواننده به نسبت گروه، کم است؟
یا چرا سازها بیشتر نواخته اند و خواننده، کم آواز خوانده است؟

فردا که برای میکس نهایی به استودیو میروند، آقای خواننده در اتاق فرمان، به استاد پایور میگوید که یک بار دیگر میخواهد کار را بخواند. در بالای ضبط اتاق فرمان به خطی نه چندان زیبا نوشته شده است که:

اگر در ضبط نقشی ندارید اتاق فرمان را ترک کنید؟
استاد پایور به دفتر استودیو(در طبقه بالا) می روند و از آنجا زنگ می زنند! تا ۲ دقیقه دگر بجز صدابردار هیچکس در اتاق فرمان نباشد و در ضمن از مدیریت استودیو می خواهند که نوشته بالای میز کار را به چند زبان خراسانی، کردی، اصفهانی ترجمه و درکنار نوشته قبلی قرار دهند.....

....باشد که سایه اش بر سر ما مادام و مستدام باقی بماند.